

انسان در زندگی اجتماعی خود، نیازمند یاری دیگران است؛ زیرا نظام **آفرینش** به گونه‌ای است که انسان بی‌یاری و همراهی دیگران نمی‌تواند به اهداف والای انسانی خویش دست یابد. بر این اساس، هر گونه یاری‌جویی از دیگران، به معنای مخالفت با نظام توحیدی به شمار نمی‌آید و کسانی که برای رسیدن به اهداف والای خویش از دیگران یاری می‌گیرند و از همراهی و یآوری آنان بهره می‌برند، کاری بر خلاف اصول توحیدی انجام نمی‌دهند، البته مشروط به اینکه همه این علل و عوامل و اسباب را در طول اراده و مشیت الهی بدانند و به عنوان عوامل مستقل قرار ندهند. در نوشتار حاضر اهمیت و ضرورت یاری جویی از خدا و خلق و یاری رسانی به یکدیگر در جامعه بررسی شده است.

انسان اجتماعی

انسان اجتماعی نمی‌تواند بی‌دیگری به سر برد. این نتوانستن به هر دلیل و عامل درونی و بیرونی باشد، به معنای آن است که انسان ناخواسته وابسته به دیگری است و از استقلال برخوردار نیست. این وابستگی است که آدمی را مجبور می‌سازد تا با دیگری تعامل کند، از برخی حقوق و آزادی‌های خویش بگذرد و با توجه به اولویت و اهمیت، برخی را فدا کند تا به برخی از امور مهم و اصلی‌تر برسد.

این تعامل میان مردمان، زمینه رشد و تعالی را برای هر یک از طرفین فراهم می‌کند و فرصت‌های جدید و تازه‌ای به هر یک می‌بخشد. هر چند که در این میان سوءاستفاده‌هایی نیز صورت می‌گیرد و برخی از مردم

انسان‌ها لازم است از مقام ربوبیت خداوند برای استعانت بهره گیرند و بر این باور باشند که خداوند همه هستی را مدیریت و پروردگاری می‌کند و هیچ چیز بیرون از دایره ربوبیت و پروردگاری او نیست.(یونس آیات ۸۵ و ۸۶ و عنکبوت آیات ۲۶ تا ۳۰) البته استعانت از خدا می‌تواند به اشکال گوناگونی انجام پذیرد و این‌گونه نیست که یاری از غیر خداوند به هر شکلی به معنای کفر و شرک باشد، بلکه تنها زمانی شرک و کفر تلقی می‌شود که استعانت از دیگری، به معنای باور به استقلالیت شخص باشد، اما اگر این استعانت بر اساس باور بهره‌گیری از اسباب طولی و عوامل بیرونی در مسیر تعالی و کمال باشد، جزوی از توحید ربوبی خواهد بود.

به این معنا که انسان به هر چیزی که تمسک می‌جوید، باید به آن به عنوان بخشی از نظام احسن الهی بنگرد و باور داشته باشد که تأثیرگذاری در هر چیزی در دایره اراده و مشیت الهی است و اگر خدا نخواهد هیچ چیزی نمی‌تواند در جهان تأثیر گذار باشد.

انسان نتوانستن به هر دلیل و عامل درونی و بیرونی باشد، به معنای آن است که انسان ناخواسته وابسته به دیگری است و از استقلال برخوردار نیست. این وابستگی است که آدمی را مجبور می‌سازد تا با دیگری تعامل کند، از برخی حقوق و آزادی‌های خویش بگذرد و با توجه به اولویت و اهمیت، برخی را فدا کند تا به برخی از امور مهم و اصلی‌تر برسد.

این تعامل میان مردمان، زمینه رشد و تعالی را برای هر یک از طرفین فراهم می‌کند و فرصت‌های جدید و تازه‌ای به هر یک می‌بخشد. هر چند که در این میان سوءاستفاده‌هایی نیز صورت می‌گیرد و برخی از مردم

انسان به هر چیزی که تمسک می‌جوید، باید به آن به عنوان بخشی از نظام احسن الهی بنگرد و باور داشته باشد که تأثیرگذاری در هر چیزی در دایره اراده و مشیت الهی است و اگر خدا نخواهد هیچ چیزی نمی‌تواند در جهان تأثیر گذار باشد.

فراتر از آنچه عرف و پسند همگانی است عمل می‌کنند و با اسراف و زیاده خواهی‌های خود، نسبت به دیگری ستم روا می‌دارند.

یاری جویی از خدا

یاری خواهی از خداوند، در نظام توحیدی، به گونه‌ای تعریف شده است تا انسان همه چیزش را از او بخواهد و از غیر نخواهد. این بدان معناست که هر گونه استعانت از غیر خداوند به عنوان شرک و کفر تلقی می‌شود. خداوند در آیه ۱۹۷ سوره اعراف و نیز ۱۰۱ سوره هود استعانت از دیگران را به عنوان شرک محکوم می‌کند و از مردمسان می‌خواهد تا در همه امور خویش تنها از خداوند یاری بگیرند.
تنها خداوند شایسته استعانت است و انسان باید تنها از وی یاری‌جوید(فاتحه آیه ۵ و یونس آیه ۸۵ و مؤمنون آیه ۱۰۷) و اینکه استعانت و یاری از خدا، جلوه‌ای از تقواییشگی انسان است(اعراف آیه ۱۲۸)



یاری جویی و یاری‌رسانی یک ضرورت اجتماعی

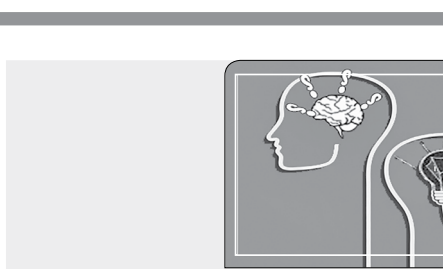
نرگس دوست محمدی

خداوند و یساری او نیازمندند. این یساری خواهی نیز همواره از طریق اسباب و عوامل طولی مادی و معنوی انجام می‌شود. البته همه این علل و اسباب به آسانی قابل شناسایی نیست، زیرا بسیاری از اسباب و عوامل نهان از چشم آدمی است.

مسامدینی از یاری جویی در قرآن

در تحلیل قرآنی یاری جویی می‌تواند از طرق مختلف انجام شود ولی در هر موردی لازم است خداوند به عنوان یاری‌کننده اصلی مدنظر قرار گیرد. به این معنا که هر کاری که از چیزی یا کسی یاری می‌جوید باید آن را به عنوان سببی از اسباب الهی و در طول اراده و مشیت الهی بداند و برای آن حساب باز کند. بنابراین، اصل تمسک و توسل باید به خداوند باشد و او را مخاطب اصلی خواسته‌های خود قرار دهد و کمک دیگران را در طول این خواسته بداند.

به عنوان نمونه کسی که از خداوند استعانت می‌جوید می‌تواند از نماز و روزه نیز یاری بجوید، زیرا این امور در مسیر طولی استعانت الهی قرار می‌گیرد. در این باره قرآن در آیات ۴۵ و ۱۵۳ سوره بقره به مردم توصیه کرده که برای رسیدن به خواسته‌هایشان از نماز و صبر که همان روزه دانسته شده، استعانت جویند. خداوند در آیات ۱۵ و ۱۸ سوره قصص گزاشی از استعانت یکی از پیروان موسی(ع) از آن حضرت را



سنگین بودن نوع مجازات‌ها بدون بازدارندگی

را به بزه سخت و پرهزینه کند و در گام سوم، مجازات‌ها را بر اساس مبانی خاص خود، نسبت به کسانی که از سد نخست دوم گذشته و به ورطه ارتکاب جرم افتاده‌اند، وضع کرده است تا آنها را از ارتکاب مجدد بزه بازدارد و عبرتی نیز برای دیگران باشد.

سوم: اگر چه محیط، تربیت، اوضاع و احوال اجتماع بر تکوین شخصیت اخلاقی و اجتماعی افراد تأثیر دارند؛ قدرت اراده انسان از همه اینها فراتر است. در انسان دو نوع قدرت وجود دارد: قوای محرک و قوای کنترل کننده، چه

خلق است. رحمت و انسانی بودن مجازات‌های اسلامی، در موجبات سقوط مجازات در حقوق کیفری اسلامی نمایان است، مانند امکان عفو در مجازات قصاص، فردی کردن مجازات در موارد تعزیر، وجود نهاد توبه و روش اثبات جرم^(۱) می‌شوند. در احادیث اسلامی^(۲) مکرر آمده است که گاه که برای رحمت آمده است. آنجایی هم که آن منحرف‌های غیر قابل اصلاح را امر به قتل می‌کشد، مثل یک عده سرطانی که در یک بدن باشد؛ برای اصلاح بدن، آن عده را باید بیرون آورد چاره نیست. این عده‌های سرطانی به اشتباه ممکن است با عباراتی که گویای عدم تمایل به اتیاج جرم است، وی را رد یا اجرای مجازات را به زمان دیگری موکول و حتی او را راهنمایی‌اش می‌کردند که بهتر است به جای اقرار و اجرای حد شرعی، بین خود و خدایش توبه کند؛ این ناپاکی را با پاک‌ی آییند بشنود.^(۳) هفتم: ادعای بازدارنده نبودن مجازات‌های پیش‌بینی شده در حقوق جزائی اسلام نیز ادعائی بدون اثبات است و دلیلی که برای اثبات آن ارائه می‌شود نادرست است. اینکه ادعا شده است کشورهای که این مجازات‌ها را از رژیم کیفری خود حذف کرده‌اند، میزان بزهکاری در آنها تغییر نکرده است؛ سخن قابل اعتمادی نیست؛ زیرا چه بسا بعد تغییر میزان بزهکاری در آن جوامع – بر فرض صحت – به دلیل عوامل دیگری چون تغییر فرهنگ مردم، کاهش عوامل جرمزا و افزایش نظارت‌ها بوده باشد. علاوهبر اینکه موضوع افرادی که به دلیل ترس از مجازات از ارتکاب جرم دست برداشته‌اند، قابل دستمای و سنش نیست؛ زیرا هیچ‌گاه این افراد در جایی اعلام نکرده‌اند که قصد ارتکاب جرم داشته‌اند اما مثلا به این دلیل از آن دست برداشته‌اند.

ششم: حدود و تعزیرات اسلامی، از قبیل سهل متعنت است؛ یعنی اگرچه ممکن است مجازات‌های اسلامی سنگین به نظر برسند؛ راه‌های اثبات جرم‌های مربوط چنان دقیق و محدود است که عملاً افراد نادری مشمول این مجازات‌ها می‌شوند. در احادیث اسلامی^(۴) مکرر آمده است که گاه کسی حضور پیامبر(ص) یا امام(ع)می‌رسید و با صراحت به عمل منفای عفت اعتراف و اجرای حد شرعی را تقاضا می‌کرد تا از ناراحتی وجدان و احساس گناه آسوده خاطر شود؛ لیکن آن حضرات با عباراتی که گویای عدم تمایل به اتیاج جرم است، وی را رد یا اجرای مجازات را به زمان دیگری موکول و حتی او را راهنمایی‌اش می‌کردند که بهتر است به جای اقرار و اجرای حد شرعی، بین خود و خدایش توبه کند؛ این ناپاکی را با پاک‌ی آییند بشنود.^(۵) هفتم: ادعای بازدارنده نبودن مجازات‌های پیش‌بینی شده در حقوق جزائی اسلام نیز ادعائی بدون اثبات است و دلیلی که برای اثبات آن ارائه می‌شود نادرست است. اینکه ادعا شده است کشورهای که این مجازات‌ها را از رژیم کیفری خود حذف کرده‌اند، میزان بزهکاری در آنها تغییر نکرده است؛ سخن قابل اعتمادی نیست؛ زیرا چه بسا بعد تغییر میزان بزهکاری در آن جوامع – بر فرض صحت – به دلیل عوامل دیگری چون تغییر فرهنگ مردم، کاهش عوامل جرمزا و افزایش نظارت‌ها بوده باشد. علاوهبر اینکه موضوع افرادی که به دلیل ترس از مجازات از ارتکاب جرم دست برداشته‌اند، قابل دستمای و سنش نیست؛ زیرا هیچ‌گاه این افراد در جایی اعلام نکرده‌اند که قصد ارتکاب جرم داشته‌اند اما مثلا به این دلیل از آن دست برداشته‌اند.

۳- علی محمدی جور کوبه
۱. رک: علی رضا فیفسی، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، ص:۴۰۷، محمد ابوالعلا عقیده، اصول علم العقاب، ص:۱۲۷، صدر الدین بلاغی، عدالت و قضا در اسلام، ص:۱۲۷، یحیی نوری، حقوق زن در اسلام و جهان، ص: ۱۴۷ و فربیا علاسوند، حیات بخشی احکام در نظام کیفری اسلام، ص: ۱۲۷.
۲. مالند، آیه ۳۲.
۳. فقره، آیه ۱۷۸.
۴. همان، ص: ۱۷۹.
۵. همان، آیه ۳۸.
۶. یعنی نوری، حقوق زن در اسلام و جهان، صص ۱۴۵ - ۱۴۷ و رک: محمد ابوالعلا عقیده، اصول علم العقاب، ص: ۱۲۷.
۷. محمد ابوالعلا عقیده، اصول علم العقاب، صص ۱۲۷ - ۱۲۹، رک: مصطفی العوجی، دروس فی التعلیم الجنائی، ج ۲، صص ۶۲۴ و ۶۲۵.
۸. سید روح الله خمینی، صمیمه، ج ۸، صص ۳۲۰، ۳۲۲.
۹. مالند، آیه ۳۸.
۱۰. محمد ابوزهره، الجرمیه و العقوبه فی الفقه الاسلامی (العقوبه)، صص ۱۷۲ - ۱۷۷.
۱۱. رک: محمد بن الحسن الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۸، باب (۱۰)ابواب مقدمات حدود.
۱۲. ناصر مکارم شیرازی، فلسفه حدود و تعزیرات در اسلام، صص ۱۳ - ۱۵.

معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

بارها دیده و یا شنیده‌اید کسی می‌گوید: اول خدا دوم شما. این عبارت در زمانی درست است که انسان، یاری و کمک دیگری را به عنوان وسیله و سبب بداند که به اراده و مشیت الهی می‌تواند کاری انجام دهد. اما اگر برای دیگری ارزش استقلال و علت تامه قائل شود، باید آن را به عنوان تفکر شرک‌آمیز طرد کرد.

را به مشارکت فعال در این امر فرا خواند. این مشارکت می‌تواند در حوزه‌ها و امور مختلف انجام شود. به این معنا که بسته به شرایط و مقتضیات باید از مشارکت حکماتری مردم در امور اجتماعی و سیاسی و مدیریت جامعه بهره گرفت. از این رو ذوالقرنین با آنکه از نظر مالی نیازی به یاری و مشارکت مردم نمی‌بیند و نمی‌خواهد مردم را در تنگنا و فشار اقتصادی قرار دهد تا عمران و آبادانی را به انجام برساند با این همه خواهان مشارکت فعال نیروهای انسانی در امر آبادانی و سدسازی می‌شود تا مرزهای دولت خویش را از تجاوزات دشمنان حفظ کند.

لزوم کمک به ستم‌دیده

همان گونه که دولت اسلامی برای انجام بسیاری از امور خویش نیازمند مشارکت فعال مردم است، توده‌های مردم نیز برای دستمای به مقاصد و اهداف خویش نیازمند مشارکت فعال دیگران هستند. آیه ۲۲۷ سوره شعراء بر جواز کمک خواهی انسان‌ها برای دستمای به برخی از امور و پاسخگویی به رف و ستم تأکید می‌کند. این بدان معناست که انسان‌هایی که در حق آنان ستمی روا شده می‌توانند افزون بر راه‌های قانونی عادی چون دادرسی، از مردم نیز یاری بجویند.

این آیه همچنین لزوم همکاری و همیاری مردم نسبت به درخواست‌های ستم دیده را نیز تبیین می‌کند؛ زیرا جواز استعانت بی‌لزم همراهی و همکاری مردم امری بی‌معنا خواهد بود. بر این اساس می‌توان گفت که اگر ستم‌دیده‌ای نتوانست از راه‌های قانونی به حق خویش دست یابد و از ستم رها شود می‌تواند از مردم یاری خواهد و بر مردم است تا وی را یاری کنند. خداوند در آیات ۳۹ و ۴۱ سوره شوری بر لزوم یاری ستم‌دیده تأکید می‌کند و از مردمان می‌خواهد تا نسبت به رفع ظلم از مظلوم اقدام کنند. (انتصار)کمک‌خواهی از دیگران؛ مفردات راغب اصفهانی) امری جایز و کمک کردن امری لازم است. این بدان معناست که یاریگری در اموری چون مبارزه با ظلم و ستم امری جایز است.

حدود و تعزیرات اسلامی، از قبیل سهل متعنت است؛ یعنی اگرچه ممکن است مجازات‌های اسلامی سنگین به نظر برسند؛ راه‌های اثبات جرم‌های مربوط چنان دقیق و محدود است که عملاً افراد نادری مشمول این مجازات‌ها می‌شوند.

ششم: حدود و تعزیرات اسلامی، از قبیل سهل متعنت است؛ یعنی اگرچه ممکن است مجازات‌های اسلامی سنگین به نظر برسند؛ راه‌های اثبات جرم‌های مربوط چنان دقیق و محدود است که عملاً افراد نادری مشمول این مجازات‌ها می‌شوند. در احادیث اسلامی^(۱) مکرر آمده است که گاه کسی حضور پیامبر(ص) یا امام(ع)می‌رسید و با صراحت به عمل منفای عفت اعتراف و اجرای حد شرعی را تقاضا می‌کرد تا از ناراحتی وجدان و احساس گناه آسوده خاطر شود؛ لیکن آن حضرات با عباراتی که گویای عدم تمایل به اتیاج جرم است، وی را رد یا اجرای مجازات را به زمان دیگری موکول و حتی او را راهنمایی‌اش می‌کردند که بهتر است به جای اقرار و اجرای حد شرعی، بین خود و خدایش توبه کند؛ این ناپاکی را با پاک‌ی آییند بشنود.^(۲) هفتم: ادعای بازدارنده نبودن مجازات‌های پیش‌بینی شده در حقوق جزائی اسلام نیز ادعائی بدون اثبات است و دلیلی که برای اثبات آن ارائه می‌شود نادرست است. اینکه ادعا شده است کشورهای که این مجازات‌ها را از رژیم کیفری خود حذف کرده‌اند، میزان بزهکاری در آنها تغییر نکرده است؛ سخن قابل اعتمادی نیست؛ زیرا چه بسا بعد تغییر میزان بزهکاری در آن جوامع – بر فرض صحت – به دلیل عوامل دیگری چون تغییر فرهنگ مردم، کاهش عوامل جرمزا و افزایش نظارت‌ها بوده باشد. علاوهبر اینکه موضوع افرادی که به دلیل ترس از مجازات از ارتکاب جرم دست برداشته‌اند، قابل دستمای و سنش نیست؛ زیرا هیچ‌گاه این افراد در جایی اعلام نکرده‌اند که قصد ارتکاب جرم داشته‌اند اما مثلا به این دلیل از آن دست برداشته‌اند.

صفحه ۷

شنبه ۲۰ شهریور ۱۴۰۳

۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۶ - شماره ۲۳۶۶۷

چراغ راه

مراتب فهم قرآن برای مخاطبان

قال الامام الصادق(ع): کتاب‌الله علی اربعه اشیاء: العبارة و الاشارة و اللطایف و الحقایق. فاما العبارة فللعلوم، و الاشارة للخواص و اللطایف لالولایه و الحقایق للاتباء».

امام صادق(ع) فرمود: کتاب خدا بر چهار گونه است: ۱- عبارت ۲- اشارت ۳- لطایف ۴- حقایق. اما عبارت آن برای علوم و اشارت آن برای خواص و لطایف آن برای اولیا و حقایق آن برای انبیا است.^(۱)

۱- بحارالانور، ص ۷۵ و ۲۷۸

حکایت خوبان

کدام خواننده قرآن اهل نجات است؟

امام صادق(ع) می‌فرماید: «خوانندگان قرآن سه گروه‌ند: ۱- عده‌ای برای نزدیک شدن به سلاطین و زورمندان و برای سلطه یافتن بر مردم. این دسته اهل آتشند. ۲- گروهی حروف قرآن را حفظ و حدود آن را ضایع کرده‌اند، این دسته نیز اهل آتشند. ۳- گروهی قرآن می‌خوانند تا زیر پوشش آن قرار گیرند. به محکم و متشابه آن اعتقاد دارند. فاریض قرآن را به جای می‌آورند و حال آن را حال و حرام آن را حرام و در مقام عمل تسلیم قوانین قرآنند. این دسته همان کسانی هستند که دست رحمت الهی آنان را از هر سقوطی نجات می‌دهد و آنان اهل بهشت‌اند و دربار هر که بخوانند حق شفاعت دارند.»^(۱)

۱- خصال، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۷۰

پرسش و پاسخ

مراتب فهم قرآن

پرسش:

آیا شناخت معانی و مقاصد آیات وحیانی قرآن فقط برای عده‌ای خاص مقدور می‌باشد، یا اینکه هر کسی متناسب با عقل و توانمندی خود می‌تواند این شن‌شناخت را از قرآن پیدا کند و به آن عمل نماید؟

پاسخ:

قرآن کتابی قابل فهم برای همه مخاطبان

شکی نیست که قرآن کتاب معرفت و هدایت و نسخه شفابخش و نقشه راه سعادت و رستگاری همه انسان‌ها در همه عصرها و نسل‌ها می‌باشد و ماندگای آسمانی است که همه اقشار و طبقات مردم فراخود ظرفیت و استعداد ذهنی و قلبی خود می‌توانند از آن بهره ببرند. این کتاب حجت شرعی برای هدایت تشریعی همه انسان‌ها تا روز قیامت بوده و اگر برای همگان قابل فهم نبود نقض غرض هدایت الهی پیش می‌آمد. امام خمینی(ره) در این رابطه می‌نویسد: «ظواهر قرآن کریم برای همه مخاطبان قابل فهم است و در این جهت زبان قرآن، زبان عرف عقلای عالم و زبانی فراگیر، همگانی، وحیانی، فطری و فراعصری است و در عین حال از همه شیوه‌ها و اسلوب‌های بیانی، متناسب با شرایط و مقتضیات و احوال و افهام مخاطبان، برای القای معارف الهی استفاده نموده است. قرآن کریم گاهی با زبان موعظه و نصیحت، گاهی با زبان حکمت و عقل، گاهی با زسان تمثیل و کنایه، گاهی با زبان قصه و حکایت و گاهی نیز با زبان رمز و اشاره حقایق را تعلیم داده است.»(آداب الصلوة، امام خمینی(ره)، ص۱۸۷)

مراتب نزول قرآن

یکی از مبانی معرفتی تفسیر و تاولیل قرآن کریم، این اندیشه و عقیده است که قرآن پیش از نزول در این عالم، دارای مراتب و مراحل است. مفهوم نزول قرآن که در آیات بسیاری بدان اشاره شده این است که آن معنای بلند عرفانی و معنوی، از مرتب‌های عالی به سطحی برسد که بتواند از قالب الفاظ و کلمات برای مخاطبان قابل درک باشد. بنابراین حقیقت قرآن، پیش از مرحله نزول فراتر از الفاظ و معانی کنونی بوده است. امام خمینی(ره) در این رابطه می‌فرماید: «خدای تبارک و تعالی به واسطه سعه رحمت بر بندگان، این کتاب شریف را از مقام قرب و قدم خود نازل فرموده و به حسب تناسب عوالم، تنزل داده تا به این اقسام ظلمانی و سخن طبیعت رسیده و به سکوت الفاظ و صورت حروف درآمده است.»(همان، ص۱۸۴) علامه طباطبایی(ره) که معتقد است قرآن به مقتضای مخاطبان خود، از حقیقت خود تنزل نموده تا برای آنان قابل فهم باشد، می‌نویسد: «بیانات لفظی قرآن، مثل‌هایی برای معارف حقه الهی است، چون این بیانات در این آیات، تا سطح عالم مردم، که جز امری حسسی را درک نمی‌کنند، تنزل یافته است، زیرا آنان معانی کلی را هم در قالب جسمانی آن درمی‌یابند.»(المیزان، ج۳، ص۶۱)

مراتب ظاهر و باطن و سطوح معنایی قرآن

قرآن کریم علاوه بر مراتب نازله دارای مراتب ظاهر و باطن نیز است و معانی باطل یا بطون قرآن نیز مکتور در فقت یا هفتاد بطن گفته شده که این ویژگی و امتیاز خاص سطوح معنایی داشتن و دارای مراتب بودن زبان قرآن، از جمله معجزات قرآن و نشانه‌ای از جامعیت آن می‌باشد. امام خمینی(ره) در این‌باره می‌نویسد: «قرآن منازل و مراحل و ظواهر و باطن‌هایی دارد که پایین‌ترین مرحله آن در پوسته الفاظ و گونه‌های تعبیت قرار دارد، مهمانان که وارد شده است که برای قرآن ظاهر و باطن و حد و معطلی است و این آخرین منزل بهره زندانیان در تاریکی‌های عالم طبیعت است.(شرح دعای سحر، امام خمینی(ره)، ص۳۸)

در بخش دیگری از این کتاب آورده‌اند: «بدان، همان‌طور که از برای کتاب تکوین الهی به اعتباری هفت بطن و به توجیه دیگری هفتاد بطن هست که جز خدا و پایداران در علم، کسی را از آن بطون آگاهی نیست.»(همان، ص۵۹) همچنین در کتاب «آداب الصلوة، ص۱۸۵» می‌فرماید: «هو باید دانست که در این کتاب جامع الهی به طوری این معارف از معرفه الذات تا معرفه الافعال مکتور است که هر طبقه به قدر استعداد خود، از آن ادراک می‌کنند، چنانچه آیات شریفه توحید و خصوصاً توحید افعال را علمای ظاهر و محدثین و فقها، طوری بیان و تفسیر می‌کنند که به کلی مخالف و مباین است با آنچه اهل معرفت و علمای باطن تفسیر می‌کنند و نویسنده هر دو را در محل درست می‌داند، زیرا که قرآن شفای دردهای درونی است و هر مرضی را علاج می‌کند.» امام علی(ع) هم در معناشناسی ظاهر و باطن قرآن می‌فرماید: «هیچ آیه‌ای نیست جز اینکه چهار معنا دارد: ظاهر، باطن، حد و مطلع، ظاهر قرآن، تلاوت و باطن آن، فهم و حد آن، احکام حلال و حرام و مطلع عبارت از مراد خداوند از بنده است»(کنزالعمال، ج۲، ص۵۵)، (تفسیر الصافی، ج۱، ص۳۰)

سلوک عارفانه

لزوم تدبر همه مسلمانان در قرآن

تدبر در قرآن مجید حق هر فرد مسلمانی است و در انحصار فرد یا گروه خاصی نیست و باز به این نکته توجه دارم که برداشت‌ها هر اندازه‌بی‌غرضانه باشد، یک جور از آب در نمی‌آید، هر کس ممکن است دیدگاه وبزوای داشته باشد.^(۱)

۱- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱، ص ۴۶۰